

افریغانستان

منبع: هفته نامه ی "ده ایکنومیست" - ۲۶ جنوری ۲۰۱۳ تا ۱ فبروری ۲۰۱۳ - ۴

برگردان به فارسی: مسعود اندیشمند

پیشگفتار

بعد از پخش مقاله ای زیر عنوان افریغانستان در هفته نامه ی "ده ایکنومیست" بخصوص عنوان این مقاله (که همچنان در جلد این هفته ی این هفته نامه نمایان است) در برخی از رسانه ها توام با کلماتی چون گرداب، باتلاق و امثال آن بوده است. بحث بر سر احتمال استمرار جنگ در کشور مالی که با افغانستان و عراق مقایسه گردیده، متمرکز است.

نویسنده ی این مقاله وضعیت در صحرای بزرگ افریقا را با وضعیت افغانستان و یا عراق قابل مقایسه نمیداند. وی هر جنگ را متفاوت تلقی میکند و تعمیم تجارب و آموخته های جنگ یک منطقه را در منطقه دیگر ضروری نمی پندارد. وضعیت کشور مالی را برعکس وضعیت افغانستان به عنوان یک قضیه بین المللی وجهانی، محلی میداند و مداخله خارجی را در آن لازمی نمی خواند. به باور او برعکس وضعیت افغانستان و عراق مداخله در مالی طولانی نمیشود.

کسانیکه به گروه های افراطی در مالی جذب و استخدام میگردند، اکثراً جوانانی اند با تحصیل ضعیف، جوانان بیکار که از دولت های شکننده و ضعیف به تنگ آمده اند از احساسات آنها علیه دولت استفاده میگردند. دولت فرانسه همچنان بخاطر حفاظت از ۶۰۰۰ شهروند خود در مالی تصمیم به مداخله ی نظامی گرفت. البته این نوع مداخله ی نظامی که بیشتر بخاطر منافع دولت مداخله گر صورت میگیرد، در کوتاه مدت کارساز خواهد بود، ولی نباید فراموش کرد که بعد از مدت کوتاهی افراطی ها دوباره برخواهند گشت. پس باید به دنبال راه حل دراز مدت گشت. قسمیکه نویسنده اشاره دارد، اکثر جوانانیکه به این گروه ها می پیوندند جوانان ناراض از دولت اند که صاحب تحصیلات کافی نیستند و همچنان بیکاری آنها را به خشونت کشانده است. پس مشکل را باید دقیقاً در همینجا (در بیکاری، تعلیم و تربیه...) جست. اگر زمینه ی درست تحصیل برای جوانان این کشور مهیا شود و میزان بیکاری تقلیل یابد، میزان گرایش آنها بسوی افراط گرایی هم کاسته میشود. بهتر خواهد بود تا دولت فرانسه با دولت مالی و امثال آن درین راستا همکاری کند تا جوانان آن از تعلیم و تحصیل برخوردار شوند و زمینه ی کار برای مردم ایجاد شود و سرانجام گرایش جوانان بسوی افراط گرایی کاهش یابد.

افریغانستان!

پس از ۱۱ سال جنگ علیه تروریسم در افغانستان و عراق، با هزینه ی تقریباً یک و نیم تریلیون دالر و با تلفات جانی صد ها هزار نفر، مردم در غرب احساس میکنند که درس سختی را آموخته اند. حالا بیشتر از همه این باور شکل گرفته است که مداخله ی خارجی حتی با بهترین نیت پیوسته است با باتلاقی شدن ارتش آنها در جنگهای بی پایان، با دشمنان نامعلوم و بخاطر کمک به مردم ناسپاس این مناطق.

وقتی نیروهای فرانسوی در کشور مالی با شکست دادن بنیادگرایان پیش میرفتند، پژواک وضعیت و تجربه ی افغانستان به گوش ها طنین می افکند. و صدای این پژواکها دوباره به گوش ها رسید، چند روز بعد آن، وقتی یک واحد ریشداران جهادی تفنگ به دستⁱⁱ یک کارخانه ی گاز را به تصرف خود درآوردند و ده ها تن از اتباع خارجی در کشور همسایه مالی (که در آن کارخانه کار میکردند) را سلاخی نمودند - که این کلانترین حمله ی تروریستی در یک کشور اسلامی بعد از بمب گذاری کلپ شبانه در بالی اندونیزیا بود، چنین به نظر میرسید که جبهه ی بعدی جنگ علیه تروریسم درینجا باشد و همچنان یک کویر باتلاقی برای به دام انداختن رهبران خود ستای غرب.

اما با این حال هر جنگ متفاوت است. نیاز نیست تا درسهای از یک جلگهⁱⁱⁱ به شکل منظم در جلگه های دیگر نقشه بندی گردد. با نگاه به هلال بی ثباتی که از سومالی و سودان در شرق و از کشور چاد تا به مالی در غرب امتداد دارد، مقایسه نمودن این کشورها مانند اینکه اینها همه فقط یک عراق و افغانستان دیگری است، گمراه کننده است. و همچنان اگر این طرزدید به دلسردی و بی جرأتی کشور های خارجی در جلوگیری از یک جنگ خطرناک دیگر بیانجامد، دردناک است. به هر حال مداخله همیشه پیوسته با خطر است، اما ضرور نیست که در افریقا مانند عراق و افغانستان مداخلات به چنین درازا طول بکشد و نا امید کننده باشد.

شبح مالی

ریشه های اصلی جنگ که در هفته های آخر سرخط اخبار است، عمدتاً نه منطقه ای و یا سراسری بلکه محلی بوده است. بی قانونی، بی بندوباری و خشونت جاپای خود را از گذشته ها در داخل و اطراف این بیابان پهناور به امتداد شرق به سومالی در شاخ افریقا، مستحکم کرده است. اما در چند سال اخیر هرج و مرج رو به وخامت گراییده است - به خصوص پس از سقوط معمر قذافی در لیبیا در اواخر سال ۲۰۱۱، هنگامیکه سیلی از اسلحه بسوی مناطق مرزی باز و بی دروازه سرازیر شد. مجموعه ای از ناروایی ها؛ گروگان گیری ها، اخاذی، قاچاق مواد مخدر و راهزنی ها جماعتی از رهبران خلافکار را تقویت بخشیده است. بعضی این گروه ها

با اهتزاز پرچم اسلام، نارضایتی و مطالبات مشروع مردم را که در فقر، تبعیض و فساد دولتهای فاسد دست و پا میزنند، تصاحب کرده اند.

در جنوب نایجیریا یک گروه افراطی اسلامگرا که خود را بوکو حرام ("آموزه های غربی حرام است"^{iv}) مینامد، جوانان کم سواد و ناآگاه، بیکار، و جوانان مسلمان خشمگین را برای ایجاد و تدوام کشتار و خشونت جذب و استخدام میکنند. در کشور مالی عشایر طوارق در نیمه ی شمالی کشور مدتهاست که به حاشیه رانده شده اند. این جهادگرها که خود را ستون و پایه شورش های نژادی و قومی ساخته اند، رهبران کشور خود را به انزواکشاند. در نقاط دیگر، کشورهای مانند اتیوپی و کینیا، آنها مناسبات قدیمی بین مسلمانان و مسیحیان را که در گذشته ها عموماً با آرامش و در کنار هم همزیستی داشتند، به سوء ظن کشانده اند.

بسیاری ازین گروه ها یک جلای جهانی برای خود داده اند. جهادی هاییکه به تاسیسات گاز در الجزایر حمله کردند از مناطقی چون، تونس، مالی و نیجر آمده اند - مقامات الجزایری می گویند که این گروه حتی شامل حد اقل یک کانادایی بوده است. اسلامگراهای افراطی^v افریقایی شمالی اگر یکدست و یکپارچه نیستند، ولی بدنبال الهام گیری گروه های مانند جهادی های جهانی القاعده اند. برخی از آنها پول اضافی از حامیان خود در عربستان سعودی و منابع دیگر در کشور های نفت خیز عرب میگیرند. یک همدستی نا محدودی پیام ستیزه جو در برابر غرب، هم پیمانان و دوستان غرب در افریقا و فراتر از آن را طنین می افگند. از آنجا که القاعده در سرحدات مرزی افغانستان و پاکستان و در بخشهای از یمن و سومالیا زیر فشار است، بعضی از افراد القاعده که دنبال پناه گاه جدید میگرددند، شاید به این منطقه سرازیر شده باشند. هرچند، باوجود این همه پیوند ها، تهدید مستقیم عمدتاً محلیست. از اهالی شهر تیمبوکتو بپرسید، مردمیکه ناگهان زیر قانون سخت شریعت گیر آمدند، یا از قربانیان بمب ساز آموزش دیده ی خارجی در نایجیریا، و یا مردم سومالیا، که تنها در حال حاضر، که شبه نظامیان الشباب در حال عقب نشینی اند، سروسامان دوباره به زندگی خود بخشیده اند. اما جهاد سراسری، مسلمانان جوان را به بنیاد گرایی میکشاند و به نارضایتی های محلیشان یک دید خطرناک جدیدی می بخشد. خدمات امنیتی ضعیف، شورشیان را با خشونت شان تغذیه میکند.

درس درست

برای کسانیکه انگیزه و دلیل بسیاری از مداخلات را شکاکانه نگاه کرده اند، این برهان به یک نتیجه ی ساده ی میرسد: کاری نداشته باشید (مداخله نکنید). با این وجود بنا به دلایل بسیاری، آنچه که در صحرای بزرگ افریقا اتفاق می افتد همچنان به دنیا مربوط میشود. این منطقه تولید کننده ی بزرگ نفت و گاز است. بستن کسب و کار خارجی از بخش های بزرگ شمال افریقا یک زیان واقعی خواهد بود - یکی از دلایلی که فرانسا و اولاند (رئیس جمهور فرانسه) نیروی نظامی فرانسه را به کشور

مالی اعزام کرد بخاطر حراست حد اقل ۶۰۰۰ شهروندان فرانسوی مقیم آن کشور بود. بی قانونی سومالیا منجر به دزدی بحری در اقیانوس هند گردیده است. جهادی های افریقای شمالی در حال حاضر بخاطر تقویت و بقای دهشت افگنی در اروپا و امریکا در حال کشمکش اند، ولی هنگامیکه این گروه ها تمام منابع کشور را تحت تصرف و استفاده ی خود ببرند شاید این وضعیت ضعیف آنها تغیر بخورد. بهتر خواهد تا آنها را در بیابان همینطور زمین گیر و ناتوان ساخت.

فراتر از منافع شخصی (منافع کشور های مداخله گر)، مداخله ی هوشیارانه و کوتاه، در حقیقت میتواند ازسیاه روزی میلیون ها مردم جلوگیری کند. کمک چتربازان فرانسوی به پایان دادن یک نزاع داخلی در ساحل عاج در سال ۲۰۱۱ کارساز بود. و در سال ۲۰۰۰ یک چند هزار سرباز بریتانیایی، فری تاون، پایتخت سیرالئون را به پایان دادن یک جنگ داخلی مهیب کمک نمودند. تازمانیکه نیروهای افریقایی و یک برنامه ی توسعه یی پایدار بعد از پیروزی یک نبرد در دسترس آنها قرار داده شود، درینصورت یک مداخله میتواند کارساز باشد. این نوع پیام به ویژه برای باراک اوباما مهم است. وزیر خارجه ی امریکا (درحال ترک دفتر) هیلری کلینتن این تهدید ها را اذعان کرده است. پاسخ آقای اوباما به درخواست آقای اولاند برای کمک امریکا در کشور مالی سرد، کند و تا کنون نابسنده بوده است (البته حالا رئیس جمهور امریکا وعده ی کمک را داده است، که هواپیمایی نظامی باربری، هواپیماهای بدون سرنشین و استفاده از ماهواره ی امریکا را در خدمت فرانسه گذاشته است - مترجم. ^{vi}) همچنان آلمانها شور و اشتیاقی برای کمک نشان نداده اند.

در دراز مدت، صحرای بزرگ افریقا تنها وقتی باثبات میتواند باشد که مرفه تر شود. بسیاری از بقیه ی مناطق افریقا درحال حاضر از چنین جنبه ی (که درحال پیشرفت بسوی رفاه اند) بهره میبرند. شماری زیادی از مسلمانان در حال رشد افریقا در مقابل جهاد متخاصم و بدبین اند. دولت های غربی دچار یک اشتباه وخیمی خواهند شد اگر آنها مشکلات مداخلات را بهانه گرفته و مردم افریقا را در حال حاضر درچنین حالت واگذار کنند.

ⁱ <http://www.economist.com/news/leaders/21570704-real-danger-world-turns-its-back-another-poor-place-threatened?fsrc=nlw|hig|1-24-2013|4735738|37568380>

ⁱⁱ این گروه موسوم به الملتمین (نقاب پوشان) است ⁱⁱ
http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/01/130120_i31_algeria_hostages_cameron.shtml

ⁱⁱⁱ منظور نویسنده البته اشاره به درسهایی از جنگ در گذشته در کل به به خاص در عراق و افغانستان است

^{iv} نویسنده از کلمه انگلیسی که معنی گناه را میدهد استفاده کرده

Sinful

^v نویسنده از کلمه ی اسلام گرا استفاده کرده مترجم کلمه ی افراطی را به آن اضافه کرده است.

^{vi} <http://www.allvoices.com/contributed-news/13897388-barack-obama-helps-francois-hollande>

www.goftaman.com
